

The Impact of Government Political Discourses on Public Sector Accounting Reforms¹

Mohammad Moradi², Reza Pourahmad³

Received: 2022/04/04

Accepted: 2022/09/01

Research Paper

Abstract

Purpose: Public sector accounting is considered as a tool for politicians to achieve political incentives. The purpose of this study is to investigate the impact of government political discourses on public sector accounting reforms by examining the role of government representatives in parliament in legitimizing public sector accounting reforms and the type of legitimacy strategies used by them.

Methodology: The method of this research is based on critical discourse analysis with Fairclough approach. The population of this research includes 19 texts from the discourses of government representatives in the Islamic Consultative Assembly in relation to changes in the law of public accounting related to public sector accounting from 1986 to 2021. All the above texts have been analyzed.

Results: Changes in the country's public accounting law as the basis for public sector accounting have been legitimized under the influence of the power of language by government officials and with an emphasis on rationalist and ethical strategies, and they have used language as a tool of legitimacy.

Conclusion: The use of language by government representatives in parliament as a tool to legitimize and use rationalist and ethical strategies to legitimize changes in the country's public accounting law, indicates that they are trying to emphasize the consequences of these changes, as well as its value and moral principles, to portray such changes in line with the public interest and to make it in line with the norms of society.

Contribution: Paying attention to the impact of political discourses on public sector accounting reforms is one of the things that has been paid less attention in accounting studies and can be effective in the decision-making and judgment of users of public sector accounting reports.

Keywords: Government representatives in parliament, Language, Legitimacy strategies, Public accounting law, Public sector accounting.

JEL Classification: M48.

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.39794.1685

2. Assistant Professor, Department of Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran. Corresponding Author. (moradimt@ut.ac.ir).

3. Ph.D. Department of Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran. (reza.pourahmad@ut.ac.ir).



تأثیر گفتمان‌های سیاسی دولت بر اصلاحات حسابداری بخش عمومی^۱

محمد مرادی^۲، رضا پورا احمد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف: حسابداری بخش عمومی به‌عنوان ابزار سیاستمداران جهت دستیابی به انگیزه‌های سیاسی محسوب می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر گفتمان‌های سیاسی دولت بر اصلاحات حسابداری بخش عمومی از طریق بررسی نقش زبان نمایندگان دولت در مجلس، در مشروعیت‌بخشیدن به اصلاحات حسابداری بخش عمومی و همچنین، بررسی نوع استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی بکار گرفته شده توسط آنان، می‌باشد.

روش: روش این پژوهش مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف است. جامعه این پژوهش، شامل تعداد ۱۹ متن از گفتمان‌های نمایندگان دولت در مجلس شورای اسلامی در ارتباط با تغییرات قانون محاسبات عمومی مرتبط با حسابداری بخش عمومی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۹ می‌باشد، که کلیه متون فوق مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور به‌عنوان زیربنای حسابداری بخش عمومی، تحت تأثیر قدرت زبان نمایندگان دولت و با تأکید بر استراتژی‌های خردگرایی و اخلاق‌گرایی، مشروعیت‌بخشیده شده است و آنان از زبان به‌عنوان ابزار مشروعیت بخش استفاده کرده‌اند.

نتیجه‌گیری: استفاده نمایندگان دولت در مجلس از زبان به‌عنوان ابزار مشروعیت بخش و بکارگیری استراتژی‌های خردگرایی و اخلاق‌گرایی برای مشروعیت‌بخشیدن به تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور، بیانگر این است که آنان سعی دارند با تأکید بر پیامدها و نتایج اعمال این تغییرات و همچنین، با تأکید بر مبانی ارزشی و اخلاقی آن، اینگونه تغییرات را همسو با منافع عمومی به تصویر بکشند و آن را در راستای هنجارهای جامعه جلوه دهند.

دانش‌افزایی: توجه به تأثیر گفتمان‌های سیاسی بر اصلاحات حسابداری بخش عمومی، از جمله مواردی است که در مطالعات حسابداری کمتر مورد توجه قرار گرفته است و می‌تواند در تصمیم‌گیری و قضاوت استفاده‌کنندگان گزارشات حسابداری بخش عمومی موثر باشد.

واژه‌های کلیدی: استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی، حسابداری بخش عمومی، زبان، قانون محاسبات عمومی، نمایندگان دولت در مجلس.

طبقه بندی موضوعی: M48.

10.22051/JAASCI.2022.39794.1685 : DOI .۱

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول. (moradimt@ut.ac.ir).

۳. دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (reza.pourahmad@ut.ac.ir).

jaacsi.alzahra.ac.ir

مقدمه

تضاد منافع سیاستمداران، انگیزه‌های سیاسی متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. در واقع بازیگران سیاسی با ابزارهای مختلف، قواعد بازی سیاسی را نقض نموده و منافع شخصی را مقدم بر منافع عمومی قرار می‌دهند (کاریازی و ویسکونتی، ۲۰۲۱؛ ۳۲). حسابداری بخش عمومی، به‌عنوان ابزار سیاستمداران جهت دستیابی به انگیزه‌های سیاسی محسوب می‌شود و از دیدگاه آنان، هرگونه اصلاحات در این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود (پوراحمد و همکاران، ۱۴۰۰؛ ۴). اصلاح رویکردهای حسابداری از طریق اصلاحات قوانین مالی زیربنایی آن، می‌تواند در راستای تحقق انگیزه‌های سیاسی اتفاق بیافتد و گفتمان‌های مشروعیت بخش سیاستمداران به‌عنوان پوششی بر اینگونه انگیزه‌ها عمل نماید (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۷). گفتمان‌های سیاستمداران، ایدئولوژی‌های سیاسی مختلفی را دنبال می‌کند و محور این گفتمان‌ها، زبان است (بایر و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۲۳). زبان ابزار مشروعیت‌بخشی در سیاست است و تشریح‌کننده اقدامات اجتماعی می‌باشد (وودز، ۲۰۱۹؛ ۳۳۹). سیاستمداران با استفاده از ابزار زبان و همچنین، واژه‌ها و مفاهیم خاص که دیگران با آنها آشنایی چندانی ندارند، به حفظ قدرت و موقعیت خود در مقابل سایر عناصر نظام سیاسی می‌پردازند و از این طریق، ایدئولوژی‌های خود را تحمیل می‌کنند (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵؛ ۸۶). سیاستمداران با اصلاحات قوانین مالی، ایدئولوژی‌های سیاسی خود را پیروی کرده و بر حسابداری بخش عمومی تاثیر می‌گذارند و با بکارگیری قابلیت‌های زبان و گفتمان‌های متعدد، اینگونه اصلاحات را همراستا با هنجارهای جامعه، به تصویر می‌کشند (گاتمن و ویت، ۲۰۱۸؛ ۷).

از این رو، زبان می‌تواند نقش اساسی در اصلاحات حسابداری بخش عمومی به‌واسطه مشروعیت‌بخشی سیاستمداران به تغییرات قوانین مالی زیربنایی آن داشته باشد و به این طریق مبانی گزارشگری مالی دولت‌ها را تضعیف کند (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۳). اینگونه تاثیرپذیری اصلاحات حسابداری بخش عمومی از گفتمان‌ها و انگیزه‌های سیاستمداران، می‌تواند قابلیت اتکای گزارشات مالی این حوزه حسابداری را با چالش مواجه کند. در این پژوهش، با توجه به اهمیت قانون محاسبات عمومی کشور به‌عنوان زیربنای حسابداری بخش عمومی، از بعد کیفی به بررسی نقش زبان

نمایندگان دولت در مجلس در مشروعیت‌بخشی به تغییرات قانون محاسبات عمومی و همچنین، بررسی استراتژی‌های آنان جهت مشروعیت‌بخشی به اینگونه تغییرات، خواهیم پرداخت. با توجه به مطالب فوق، سوال‌های این پژوهش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱) زبان دولت چه نقشی در مشروعیت‌بخشیدن به تغییرات قواعد حسابداری بخش عمومی دارد؟

۲) دولت از چه استراتژی‌هایی برای مشروعیت‌بخشیدن به تغییرات قواعد حسابداری بخش عمومی استفاده می‌کند؟

بررسی نقش زبان سیاستمداران برای ایجاد تغییرات در قوانین و مقررات مالی زیربنای حسابداری بخش عمومی و همچنین، استراتژی‌هایی که آنان برای مشروعیت‌بخشیدن به اینگونه تغییرات بکار می‌گیرند، می‌تواند از یک سو به ارزیابی قابلیت اتکای گزارشات مالی بخش عمومی یاری رسانده و از سوی دیگر، در تصمیم‌گیری و قضاوت استفاده‌کنندگان اینگونه گزارشات موثر باشد. در این پژوهش، برای بررسی نقش زبان نمایندگان دولت در اصلاحات حسابداری بخش عمومی و استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی آنان به تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور، از روش تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف استفاده شده است. توجه به نقش زبان سیاستمداران در اصلاحات قواعد زیربنای حسابداری بخش عمومی و همچنین، استراتژی‌های آنان جهت مشروعیت‌بخشی به این اصلاحات، از جمله مواردی است که در پژوهش‌های حسابداری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لازم به ذکر است، در بررسی نقش زبان سیاستمداران در پژوهش‌های حسابداری ایران، پوراحمد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به بررسی نقش زبان نمایندگان مجلس در مشروعیت‌بخشی به اصلاحات قوانین و مقررات مالی پرداخته‌اند و پژوهش حاضر با بررسی جایگاه زبان دولتمردان (نمایندگان دولت)، به‌عنوان رکن دیگر قدرت در جامعه، در اصلاحات حسابداری بخش عمومی، ضمن دانش‌افزایی در خصوص تاثیر عوامل مختلف قدرت بر اصلاحات حسابداری بخش عمومی، می‌تواند به استفاده‌کنندگان گزارشات مالی بخش عمومی در سنجش شفافیت مالی این نوع گزارشات کمک کرده و تصمیمات آنان را تحت تاثیر قرار دهد.

مبانی نظری پژوهش

زبان، گفتمان‌های مشروعیت‌بخش و استراتژی‌های آن

مشروعیت، یک تصور عمومی است مبنی بر اینکه اقدامات موجود در برخی ساختارهای اجتماعی، مطلوب و مطابق با هنجارها، ارزش‌ها و اصول و به‌طور متعارف انجام می‌شود (اوکس، ۲۰۱۲؛ ۲۱۴). مشروعیت‌بخشی به اعمال سیاستمداران می‌تواند در راستای همراه نمودن و متقاعد کردن جامعه با ایشان به‌عنوان اولویتی سیاسی تبدیل شود. استراتژی‌های مشروعیت می‌توانند با تأکید بر قابل قبول بودن یا عدم پذیرش اقدامات، این اقدامات را به صورت خنثی یا مثبت توصیف کنند (گاتمن و ویت، ۲۰۱۸؛ ۱۲). زبان، مهمترین ابزار مشروعیت‌بخشی است (ون لیون، ۲۰۰۲؛ ۳۵۲). در واقع، هدف اصلی دولت‌ها، ارائه منافع اجتماعی به جامعه است (صفرزاده و جودکی، ۱۴۰۰؛ ۱۰۶) و سیاستمداران با بکارگیری قدرت زبان و گفتمان، اقدامات خود را در راستای منافع اجتماعی جلوه داده و مشروعیت می‌بخشند (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۴). زبان، اغلب به‌عنوان ابزار کنترل شناخته شده است و مظهر نمادین قدرت در سیاست و جامعه محسوب می‌شود (رایدل و گومز، ۲۰۲۰؛ ۲۳۹). از دیدگاه سیاسی، زبان را می‌توان به دو نوع بوروکراتیک و غیربوروکراتیک تقسیم‌بندی کرد. زبان بوروکراتیک، به‌عنوان نوعی سوءاستفاده سیاستمداران از زبان در گفتمان و اسناد رسمی دولتی تعریف می‌شود. چنین سوءاستفاده‌ای از زبان، سهوی یا غیرعمدی نیست، بلکه با برنامه و مقاصد خاصی دنبال می‌شود. برخی دیگر نیز زبان بوروکراتیک را به‌عنوان زبانی که به‌صورت دروغین وانمود به برقراری ارتباط می‌کند، تعریف کرده‌اند و یا آن را به‌عنوان سوءاستفاده از واژگان و مفاهیم به وسیله بازتعریف ضمنی یا تلویحی تعریف نموده‌اند (هرمان، ۱۹۹۲؛ ۸۴). سخن دوگانه بوروکراتیک، بد را خوب، منفی را مثبت و یک امر ناخوشایند را جذاب جلوه می‌دهد (واتسون، ۲۰۰۶؛ ۷۴۴). با تکیه بر نظریه نهادی و تحلیل گفتمان انتقادی، پنج مورد استراتژی مشروعیت‌بخشی شناسایی شده است. پنج استراتژی گفتمان، جایی که از زبان برای به‌دست آوردن مشروعیت استفاده می‌شود، عبارتند از: (وارا، ۲۰۱۵؛ ۷۵۲)

(۱) اقتدارگرا^۱ (۲) اخلاق‌گرای^۲ (۳) روایت‌گرای^۳ (۴) عادی‌سازی^۴ (۵) خرد‌گرای^۵

1. Authorization
2. Moralization
3. Narrativization
4. Normalization
5. Rationalization

استراتژی اقتدارگرا، به مشروعیت‌بخشیدن (یا عدم مشروعیت‌بخشیدن) از طریق کسب مجوز به استناد چهره‌های قانونی که به نوعی به آنها اختیار داده شده است، اشاره دارد. در واقع در این استراتژی با ارجاع به نظرات اشخاص مرجع و خبره می‌توان به اقدامات و رویدادها مشروعیت بخشید. این چهره‌های قانونی می‌توانند شامل روزنامه‌نگاران، نمایندگان شرکت‌ها، بازارها، تحلیلگران و کارشناسان صنعت باشند. در متون، نمونه بارز چنین مجوزهایی عباراتی مانند "تحلیلگران معتقدند" یا "برآورد تحلیلگران این است" می‌باشد. در این استراتژی به اشخاص خاص مانند تحلیلگران خاص یا متخصصان برجسته در صنایع مختلف، نقش نهادی جهت مشروعیت‌بخشی داده می‌شود که ممکن است به سایر مقامات مانند نمایندگان کارگران داده نشود.

استراتژی اخلاق‌گرایی، به مشروعیت‌بخشیدن (یا عدم مشروعیت‌بخشیدن) از طریق سیستم‌های اخلاقی و ارزشی خاص اشاره دارد. در این استراتژی تاکید بر منافع ملی (به‌عنوان ارزش اصلی) یا اولویت‌بندی منافع افراد جامعه، نوعی ارزش محسوب می‌شود و مبنای مشروعیت‌بخشی به اقدامات قرار می‌گیرد. در واقع، این استراتژی به ارزش‌های خاص تاکید دارد و در آن می‌توان به طریقی انتزاعی به اعمال و رسوم ارزشی اشاره کرد و گفتمان را به ارزش‌های اخلاقی پیوند داده و با این کار آنها را "اخلاقی"، جلوه داد. برای مثال، به جای اینکه بگوییم "این کودک اولین بار است به مدرسه می‌رود"، بگوییم "این کودک به استقلال می‌رسد". بدین طریق عمل مدرسه رفتن بر حسب گفتمان "استقلال"، مشروعیت می‌یابد (وارا، ۲۰۱۵؛ ۷۶۶). استراتژی روایت‌گرایی، به مشروعیت‌بخشیدن (یا عدم مشروعیت‌بخشیدن) از طریق بیان روایات اشاره دارد. این استراتژی جنبه اسطوره‌ای مشروعیت را نیز در بر می‌گیرد و بیان یک داستان یا تاریخچه از یک موضوع، شواهدی از رفتار قابل قبول، مناسب یا ترجیحی را فراهم می‌کند. در روایت‌گرایی به اشخاص با عنوان برنده، بازنده، قهرمان، دشمن یا مقصر نگریسته می‌شود. برای مثال، در داستان‌هایی درباره نخستین روز مدرسه رفتن، کودکان باید با ضربه روحی ناشی از جدا شدن از امنیت خانه روبه‌رو شوند. سپس، پس از گذشتن از برخی موانع، پایان خوشی را تجربه می‌کنند (ون لیون، ۲۰۰۷؛ ۱۰۵).

استراتژی عادی‌سازی، به مشروعیت‌بخشیدن (یا عدم مشروعیت‌بخشیدن) از طریق عادی و مناسب جلوه دادن موضوع مورد بحث اشاره دارد. این استراتژی می‌کوشد که به یک موضوع از طریق ارائه

مثال و نمونه، مشروعیت ببخشد. این مثال زدن می‌تواند "گذشته نگر" شامل موارد، رویداد و اقدامات مشابه در گذشته یا "آینده نگر" شامل موارد جدید و رویدادهایی که مورد انتظار است، اشاره داشته باشد که هر دو مورد در ارائه یک موضوع به صورت عادی با اهمیت تلقی می‌شود. در نهایت، استراتژی خردگرایی، به مشروعیت بخشیدن (یا عدم مشروعیت بخشیدن) از طریق تمرکز بر مزایا و نتایج انجام یک عمل اشاره دارد. در واقع این استراتژی بر مزایا، اهداف، کارکردها، نتایج یا پیامدهای اقدامات انجام شده تمرکز دارد. در این استراتژی، برای اینکه بتوان توضیح داد چرا امور اجتماعی وجود دارند و چرا به این شکل خاص وجود دارند، غایت‌هایی همانند مشروع‌سازی در گفت‌وگو وضع می‌شوند. هدف از مدرسه رفتن چیست؟ هدف از اینکه به تحصیل در جامعه‌مان این شکل خاص را داده‌ایم، چیست؟ مسئله این است: آیا تمام اهداف موجود، مشروع‌ساز نیز هستند؟ خیر. برای اینکه مشروع‌ساز باشند، فرایند وضع هدف باید شامل عنصری از اخلاق‌سازی باشد. اظهاراتی مانند اینکه این "کنش سودمند است" یا "این کنش بکار می‌آید" و مواردی چون این، همگی مشروعیت‌بخش و زاده سنت‌های فلسفی، از جمله فایده‌انگاری و مصلحت‌گرایی هستند؛ سنت‌هایی که از این مسئله دفاع می‌کنند که هدفمند بودن و سودمند بودن، ملاک‌های حقیقت و شالوده‌های رفتار اخلاقی هستند و نیز شالوده‌های رفتاری که معیار آن هم رنگی با جماعت است، به شمار می‌آیند (وارا، ۲۰۰۶؛ ۸۰۲). ممکن است این اشکال مشروعیت‌بخشی، به‌طور جداگانه یا در ترکیب با یکدیگر رخ دهد. در واقع، استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی در زمینه‌های اجتماعی خاص گنجانده شده‌اند و آنچه به‌عنوان یک استدلال قانونی محسوب می‌شود، ممکن است در رویدادهای مختلف، متفاوت باشد (هایندمن و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۳۹۸).

در پژوهش‌های انجام شده با محوریت زبان و گفت‌وگو، جانسن و استیهور (۱۹۸۵)، در پژوهش خود به بررسی تاثیر تغییرات قوانین و مقررات بر ایجاد مزایای رفاهی برای افراد جامعه با حداقل درآمد زندگی در کشور هلند پرداختند. نتایج نشان داد که برای ۴۴ درصد افراد مستحق دریافت یارانه، این مزیت به‌طور سهوی اعمال نشده بود. در واقع، آنها تشخیص ندادند که خودشان مستحق دریافت یارانه هستند. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که قوانین پیچیده شامل متون اطلاعاتی پیچیده نیز هستند و آن دسته افرادی که به اکثر امتیازات نیاز دارند، بیشترین مشکلات را

درباره درک و فهم این قوانین و مقررات دارند و به نظر می‌رسد که به‌طور آشکارا زبان بوروکراتیک سیاستمداران، نقش معینی را در بروز بسیاری از مسائل در سیاست‌های ارائه خدمات ایفا می‌کند. همچنین، ضیائی و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود با عنوان "بررسی رابطه بین زبان اقتدار و مشروعیت دولت‌ها" به بررسی گفتمان امام خمینی (ره) با روش تحلیل گفتمان انتقادی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که گفتمان امام خمینی (ره)، تکثرگراست و در این گفتمان، گذشته برای عبرت و درس‌آموزی قابل نقد است و این گفتمان مخالف خشونت و خشونت‌گرایی بوده است و معتقد به حقوق ترمیمی است. مرادی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود با عنوان "بررسی و مقایسه پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره ریاست‌جمهوری پس از انقلاب اسلامی"، در رابطه با بررسی ماهیت پاسخگویی مالی دولت پس از انقلاب اسلامی، به تحلیل نظرهای چند رئیس‌جمهور با محوریت مسائل اقتصادی، از بعد کیفی، پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که رویکرد هر دولت برای پاسخگویی در قبال عملکرد خود با نگاهی منتقدانه به عملکرد دولت‌های پیشین، به مقایسه عملکرد خود با آنها پرداخته است. وفایی و غلامی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود به بررسی نقش زبان به‌عنوان ابزار قدرت در روزنامه‌های دربار دوره قاجار پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که زبان این دوره، زبانی متکلف و دشوار و قدرت‌گراست و محوریت تفکر، شاه و نظام سلطنت بوده و از زبان به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت استفاده می‌شده است. همچنین، در پژوهش‌های انجام شده با محوریت مشروعیت‌بخشی، ریس (۲۰۱۱)، در پژوهش خود استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی در گفتمان سیاسی را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش او نشان داد که استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی می‌تواند به صورت جداگانه یا در ترکیب با یکدیگر (شامل استراتژی‌های اقتدارگرا، اخلاق‌گرایی و خردگرایی) مورد استفاده قرار بگیرد و عواملی مانند احساسات، آینده‌نگری، عقل و تخصص را در مشروعیت‌بخشی به عملکرد حاکمان موثر می‌داند. مینارد (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود با عنوان "سیاست حفاظت قانونی چیست؟"، به بررسی ابزارهایی که سیاستمداران جهت پوشش و مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود استفاده می‌کنند، پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که سیاست‌مداران اغلب برای دفاع از عملکرد خود در مقابل حمله‌های احتمالی آتی، از توجیه قانونی (استراتژی اقتدارگرا) به‌عنوان ابزار مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود استفاده

می‌کنند. وودز (۲۰۱۹)، در پژوهش خود به روش کیفی به بررسی استراتژی‌های فعالان اقتصادی در مشروعیت‌بخشیدن به تغییرات سازمان‌ها پرداخت. در پژوهش او، نظارت بر عملکرد سازمان‌ها (به‌عنوان یک استراتژی ترکیبی شامل اقتدارگرا و عقلانی‌سازی) برای مشروعیت‌بخشیدن به فعالیت‌ها و تغییرات در سازمان معرفی شد.

مشروعیت‌بخشی و اصلاحات قوانین مالی زیربنای حسابداری بخش عمومی

قانون به‌عنوان قدرتمندترین نهاد محسوب می‌شود و عامل شکل‌گیری این قدرت، زبان است. از سوی دیگر، می‌توان گفت زبان در دست کسانی که قدرت نهادی دارند، هدفمند و قدرتمند می‌شود (ون لیون، ۲۰۰۷؛ ۱۰۱). قانون را می‌توان نهادی نامید که به همان اندازه با زبان در ارتباط است، رابطه جداناپذیری نیز با قدرت دارد. می‌توان چنین استدلال کرد که در تصویب یک قانون، پذیرش آن از جانب آحاد جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مشروع بودن آن از دید عامه مردم، همواره مورد تأکید قرار دارد (گاتمن و ویت، ۲۰۱۸؛ ۱۱). به‌عبارتی، در تشکیل یک سیستم قانونی با حمایت عمومی، وجود مشروعیت با دلایل مختلف اخلاقی و دموکراتیک، ضرورت پیدا می‌کند (وودز، ۲۰۱۹؛ ۳۳۵). قانون‌گذاران برای جلب حمایت عمومی، به مشروعیت نیاز دارند. در واقع، منبع اصلی قدرت قانون این است که روابط اجتماعی و قدرت حاکم را بدون نیاز به کنترل از خارج، از طریق ابزارهای زبانی و گفتمانی، تشکیل و مشروعیت می‌بخشد (اورتز، ۲۰۱۶؛ ۱۳). ابهام در مورد اعمال تغییرات در قوانین، سیاستمداران را بر آن می‌دارد تا از استدلال‌های کافی، برای ساخت واقعیت استفاده کرده و برای کسب مشروعیت از برخی ساختارها و ایده‌ها بهره ببرند. استراتژی‌های تنظیم شده در هنگام اعمال تغییرات، باورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند اتخاذ رویه‌ها و روش توجیه سیاستمداران برای سودمندی تغییر را تقویت یا تضعیف کند. هرچه دلایل حمایت‌کننده برای تغییر ترغیب‌کننده‌تر باشد، تصویب آن و در نهایت پذیرش آن، قابل قبول‌تر خواهد بود (بایتکین و هاک، ۲۰۱۵؛ ۴۶۱). بنابراین، قدرت قانون باید به وسیله گروه‌های تابع پذیرفته شود و روند مشروعیت‌بخشی عمدتاً نه از طریق اجبار (تحمیل شده توسط قانون و دادگاه‌های حقوقی)، بلکه از طریق استقرار راهبردهای اقناع کلامی از طرف قانون‌گذاران، کسانی که متون حقوقی وضع می‌کنند، صورت گیرد (رتارو، ۲۰۱۹؛ ۳۱).

قوانین و مقررات مالی، زیربنای حسابداری بخش عمومی محسوب می‌شوند و اعمال هرگونه تغییرات در آن، از دیدگاه سیاستمداران حائز اهمیت می‌باشد. سیاستمداران برای اعمال تغییرات در

قوانین و مقررات مالی، عموماً از استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی بهم‌پیوسته و ترکیبی استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، عادی‌سازی معمولاً به شدت توسط روایت‌گرایی پشتیبانی می‌شود. همچنین، استراتژی دریافت مجوز اغلب با منطقی‌سازی و اخلاقی‌سازی همراه است و سیاستمداران، با قدرت نمادین گفتمان، می‌توانند ایدئولوژی منحصر به خود را بر گروه‌های مخاطب تحمیل نمایند (اوکس، ۲۰۱۲؛ ۲۱۴). در واقع، می‌توان از مشروعیت‌بخشی به قوانین و مقررات مالی، به‌عنوان نوعی حفاظت قانونی از سیاست‌گذاران در برابر تصویب این نوع قوانین نام برد. به‌عبارت دیگر، قانون‌گذاران برای اعمال هرگونه تغییرات در قوانین و مقررات مالی با بهره‌بردن از استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی در قالب گفتمان‌های سیاسی، خود را از هرگونه تبعات بعدی ناشی از تصویب این تغییرات، مصون‌نگه می‌دارند (مینارد، ۲۰۱۷؛ ۱۱۹). حسابداری بخش عمومی و گزارشگری مالی مربوط به آن، به‌عنوان ابزار دولت‌ها در ادای مسئولیت پاسخگویی به جامعه و سایر استفاده‌کنندگان محسوب می‌شود (باباجانی، ۱۳۸۶؛ ۲۴۳). از این رو، هرگونه اصلاحات در قوانین و مقررات مالی و به تبع آن اصلاحات در حسابداری بخش عمومی، می‌تواند از دیدگاه سیاستمداران با اهمیت باشد. دخالت حاکمیت و سیاستمداران در فرآیند اصلاحات حسابداری بخش عمومی، از عوامل کاهش شفافیت مالی و پاسخگویی دولت‌ها از عملکرد خود در قبال جامعه محسوب می‌شود (لاسو و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۲۳). بسیاری از تغییرات حسابداری بخش عمومی، بر اساس گفتمان‌های مبتنی بر مباحث سیاسی ایجاد شده‌اند و سیاستمداران از استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی، به‌عنوان مجوز اعمال اینگونه تغییرات استفاده کرده‌اند (هایندمن و لیگوری، ۲۰۱۶؛ ۳۹۳). گفتمان‌ها، ریشه در اهداف، انگیزه‌ها، ایدئولوژی‌ها و حتی احساسات افراد دارند و از موقعیت‌هایی که افراد در آن قرار می‌گیرند و همچنین، سایر عوامل محیطی، اثر می‌پذیرد (بایبر و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۲۷) و می‌توان از آن به‌عنوان ابزار سیاستمداران برای مشروعیت‌بخشیدن و قانونی کردن اقدامات خود نام برد (تریخا، ۲۰۰۹؛ ۴۶۷). از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می‌توان به پژوهش پوراحمد و همکاران (۱۴۰۰) اشاره کرد. آنها در پژوهش خود به بررسی نقش زبان نمایندگان مردم در مجلس در مشروعیت‌بخشیدن به اصلاحات قوانین و مقررات مالی بخش عمومی پرداختند. نتایج نشان داد نمایندگان مجلس با بکارگیری زبان بوروکراتیک در اعمال تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور، بر استراتژی‌های

خردگرایی و اقتدارگرا جهت مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود تاکید داشته‌اند. همچنین، هاینمن و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان "توجه تغییرات حسابداری از طریق گفتمان‌های جهانی و استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی"، به بررسی عوامل اثرگذار در اصلاحات حسابداری در انگلستان پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد، بسیاری از تغییرات حسابداری، بر اساس گفتمان‌های مبتنی بر مباحث سیاسی ایجاد شده‌اند و سیاستمداران از استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی، به‌عنوان مجوز اعمال اینگونه تغییرات استفاده کرده‌اند و استفاده از راهبرد و ابزارهای مشروعیت‌بخشی زبانی توسط سیاستمداران در ایجاد اجماع و فعالیت سیاسی برای توجیه اقدامات دولت و مجلس ضروری است. ادھیکاری و جایاسینگ (۲۰۱۷)، در پژوهش کیفی خود به تجزیه و تحلیل اصلاحات حسابداری در دولت مرکزی نپال پرداخت. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد سیاستمداران در دولت مرکزی، به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی حسابداری بخش عمومی، همواره در ایجاد تغییرات حسابداری بخش عمومی دخیل بوده و در برابر عوامل خارجی جهت انجام اینگونه اصلاحات مقاومت نشان داده‌اند. لیگوری و استیکولونی (۲۰۱۸)، نیز در پژوهش خود با عنوان "قدرت زبان در مشروعیت‌بخشیدن به اصلاحات حسابداری بخش عمومی"، به بررسی نقش زبان و گفتمان در تاثیرگذاری سیاست‌های پارلمانی بر اصلاحات حسابداری بخش عمومی در ایتالیا پرداخت. نتایج نشان داد که سیاستمداران از زبان و استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی برای تاثیرگذاری بر مباحث مجلس در مورد اصلاحات در بخش عمومی استفاده می‌کنند. همچنین، لاسو و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی روند اصلاحات حسابداری بخش عمومی در سه کشور آفریقایی پرداختند. نتایج نشان داد که دخالت حاکمیت و سیاستمداران در فرآیند اصلاحات حسابداری بخش عمومی، از عوامل کاهش شفافیت مالی و پاسخگویی دولت‌ها از عملکرد خود در قبال جامعه محسوب می‌شود و از گفتمان‌های سیاسی، می‌توان به‌عنوان ابزار سیاستمداران برای مشروعیت‌بخشیدن و قانونی کردن اقدامات خود نام برد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای بررسی نقش زبان نمایندگان دولت در تغییرات قواعد حسابداری بخش عمومی و استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی آنان به این تغییرات، از روش تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف (فرکلاف، ۲۰۰۵؛ ۱۸) استفاده شده است. مقوله‌ای که در تحلیل گفتمان انتقادی

مورد تاکید قرار دارد، زبان است (بیکر و النس، ۲۰۱۱؛ ۲۲۶). تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح توصیف (شامل قطعات معنایی، واژگان کانونی، عبارت‌بندی‌های افراطی، هم معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی، اسم‌سازی، بکارگیری صنایع بیانی، مجهول‌سازی، وجوه دستوری، وجوه رابطه‌ای، وجهیت بیانی، کاربرد ضمایر ما، شما، آنها، ارزش‌های پیوندی، ساخت متن و کنترل‌های تعاملی)، تفسیر و تبیین تشکیل شده است (بهرام پور، ۱۳۷۹؛ ۷۶).

جامعه این پژوهش، شامل کلیه مباحثه‌ها و گفتمان‌های مطرح شده توسط نمایندگان دولت در مجلس شورای اسلامی در ارتباط با تغییرات قانون محاسبات عمومی مرتبط با حسابداری بخش عمومی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۹ می‌باشد که تماماً مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. از این رو، در این پژوهش نمونه‌گیری انجام نشده است.

در این پژوهش، تعداد ۱۹ متن از روزنامه رسمی کشور مربوط به گفتمان‌های نمایندگان دولت در مجلس در ارتباط با تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۹، مورد تحلیل قرار گرفت که سیزده متن مربوط به سال ۱۳۶۵، چهار متن مربوط به سال ۱۳۶۶، یک متن مربوط به سال ۱۳۷۹ و یک متن مربوط به سال ۱۳۹۹ بوده است. لازم به ذکر است در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۹۹، تنها یک گفتمان در هر سال مربوط به نمایندگان دولت در مجلس وجود داشته است. از این رو، بر اساس جدول (۱)، از بین ۲۱ ماده قانونی مرتبط با حسابداری بخش عمومی، تعداد ۱۹ گفتمان قابل بررسی وجود داشت. در جدول (۱)، تعداد مواد قانون محاسبات عمومی مورد گفتمان و نیز مواد قانونی مرتبط با حسابداری بخش عمومی به همراه سال اصلاح قانون آورده شده است.

جدول ۱: مواد مورد بررسی از قانون محاسبات عمومی

سال تصویب (اصلاح) قانون	تعداد مواد قانونی مورد گفتمان	تعداد مواد قانونی با ارتباط مستقیم به حسابداری بخش عمومی
۱۳۶۵	۳۴	۱۳
۱۳۶۶	۸	۴
۱۳۷۹	۲	۲
۱۳۹۹	۴	۲
جمع	۴۸	۲۱

با توجه به اینکه در این پژوهش، به بررسی و تحلیل مستندات و مشروح مذاکرات نمایندگان دولت در مجلس پیرامون تغییرات قانون محاسبات عمومی پرداخته می‌شود، روش گردآوری داده‌ها، روش مطالعه اسناد و مدارک می‌باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، استخراج مستندات گفتمان‌ها و مشروح مذاکرات نمایندگان دولت در مجلس در رابطه با تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور از روزنامه‌های رسمی، سایت و کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.

در این پژوهش از معیارهای گوبا و لینکلن (۱۹۸۵)، برای ارزیابی کیفیت پژوهش استفاده شده است. گوبا و لینکلن، مفهوم "قابلیت اعتماد" را به‌عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی مطرح کردند تا به کمک آن دقت عملی را در پژوهش کیفی مورد ارزیابی قرار دهند. این مفهوم از چهار عنصر زیر تشکیل می‌شود: (گوبا و لینکلن، ۱۹۸۵؛ ۱۲۴)

(۱) قابلیت اعتبار^۲ (۲) قابلیت انتقال^۳ (۳) قابلیت اتکا^۴ (۴) قابلیت تایید^۵

برای کسب قابلیت اعتبار، تلاش شد تا مشروح مذاکرات و گفتمان‌های نمایندگان دولت در مجلس با حداکثر تنوع انتخاب شود و نمونه‌گیری تا رسیدن داده‌ها به حد اشباع ادامه یابد. به‌منظور تسهیل انتقال‌پذیری، سعی شد تا توصیف روشنی از بستر، نحوه انتخاب گفتمان‌های نمایندگان دولت در مجلس، جمع‌آوری داده‌ها و فرایند تحلیل ارائه شود تا خواننده بتواند در مورد قابلیت کاربرد یافته‌ها در موقعیت‌های دیگر قضاوت نماید. در این پژوهش، از حسابرسی پژوهش یعنی بررسی دقیق داده‌ها توسط یک ناظر خارجی جهت افزایش میزان ثبات و اتکای پژوهش استفاده گردید. همچنین، جهت تایید‌پذیری پژوهش، تشریح کامل مراحل پژوهش اعم از جمع‌آوری داده‌ها، توصیف، تفسیر و تبیین گفتمان‌ها و شکل‌گیری درون‌مایه‌ها، به‌منظور فراهم نمودن امکان ممیزی پژوهش توسط مخاطبین و خوانندگان صورت گرفته است. ضمن اینکه، برای تعیین ارزیابی کیفیت داده‌ها سعی شد در تحلیل داده‌ها به بستر موضوع توجه شود و از نظرهای یک پژوهشگر بیرونی برای تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج به او نیز استفاده گردد.

1. Trustworthiness
2. Credibility
3. Transferability
4. Dependability
5. Conformability

یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از زبان می‌تواند موجب تسهیل اعمال قدرت از طریق دولتمردان گردد. در واقع، نمایندگان دولت در فرایند اصلاحات قانون محاسبات عمومی، از زبان به‌عنوان یک ابزار مشروعیت بخش سیاسی استفاده کرده‌اند. به‌عبارت دیگر، نمایندگان دولت از زبان به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به ایدئولوژی‌های خود بهره برده‌اند و با بکارگیری قدرت زبان در مشروعیت‌بخشی به اینگونه تغییرات، به دنبال نمایش اقدامات خود در راستای هنجارهای جامعه بوده و سعی در اقناع مخاطبین خود در مجلس را داشته‌اند. از این رو، نمایندگان دولت در مجلس از زبان به‌عنوان نوعی ابزار کنترل بهره برده و از آن برای ایجاد مشروعیت و کسب اجماع عمومی استفاده کرده‌اند. به‌عبارتی، آنان برای اعمال تغییرات در قانون محاسبات عمومی، از قدرت زبان برای پوشش انگیزه‌های خود و مشروعیت‌بخشیدن به اقدامات خود و جلوه دادن آن در راستای منافع عمومی استفاده کرده‌اند. در حقیقت، قدرت زبان و گفتمان، به‌عنوان ابزار کلیدی نمایندگان دولت در مجلس برای مشروعیت‌بخشی محسوب می‌شود و مشروعیت‌بخشی، نوعی توجیه عقلانی اعمال قدرت نمایندگان دولت در مجلس برای ایجاد تغییرات در قوانین و مقررات مالی می‌باشد که در قالب گفتمان‌ها جلوه داده شده است. در چنین شرایطی، زبان دولت نقش اجتناب‌ناپذیری در گفتمان مشروعیت بخش به اصلاحات قواعد حسابداری بخش عمومی را بر عهده دارد. استفاده از ابزارهای مشروعیت‌بخشی کلامی توسط سیاستمداران در ایجاد اجماع برای توجیه اقدامات آنها ضروری است (بایتکین وهاک، ۲۰۱۵؛ ۴۷۳). استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی می‌توانند با تاکید بر قابل قبول بودن یا عدم‌پذیرش اقدامات، این اقدامات را به صورت خنثی یا مثبت توصیف کنند (اسلیمن و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۱۳۷). در این پژوهش، با توجه به نتایج حاصل از ویژگی‌های صوری متون انتخاب شده از مرحله توصیف و در نظر گرفتن خصوصیات مربوط به هر استراتژی، در مرحله "تفسیر" (طبق نمونه پیوست مقاله)، ضمن ایجاد پیوند میان متن مورد مطالعه پژوهش و گفتمان‌های جاری در سطح جامعه، نوع استراتژی بکار گرفته شده توسط نمایندگان دولت در مجلس جهت مشروعیت‌بخشی به گفتمان‌ها تعیین شده است (فرکلاف، ۱۹۹۵). نتایج تحلیل ۱۹ متن از گفتمان از نمایندگان دولت در مجلس نشان می‌دهد، آن‌ها برای مشروعیت‌بخشیدن به تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور، با

توجه به تعداد دفعات بکارگیری استراتژی، به ترتیب، ۱۳ مرتبه از استراتژی خردگرایی، ۷ مرتبه از استراتژی اقتدارگرا، ۵ مرتبه از استراتژی عادی سازی، ۹ مرتبه از استراتژی اخلاق گرایی و ۲ مرتبه از استراتژی روایت گرایی استفاده کرده‌اند. بنابراین، می‌توان از دو استراتژی خردگرایی و استراتژی اخلاق گرایی، به‌عنوان استراتژی‌های مورد تاکید نمایندگان دولت در مجلس، برای مشروعیت بخشی به تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور نام برد. به عبارت دیگر، نمایندگان دولت در مجلس برای مشروعیت بخشیدن به گفتمان خود و اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی، مشروعیت بخشی از طریق تاکید بر نتایج و پیامدهای اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی و همچنین، مشروعیت بخشی از طریق سیستم‌های اخلاقی و ارزشی خاص و تاکید بر منافع ملی (به‌عنوان ارزش اصلی) یا اولویت بندی منافع افراد جامعه را به‌عنوان استراتژی‌های غالب انتخاب نموده‌اند.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش با تحلیل گفتمان‌های نمایندگان دولت در مجلس پیرامون تغییرات در قوانین و مقررات مالی و به‌طور خاص تغییرات در قانون محاسبات عمومی کشور به‌عنوان زیربنای حسابداری بخش عمومی، به بررسی نقش زبان نمایندگان دولت در مشروعیت بخشی به تغییرات قانون محاسبات عمومی و همچنین، بررسی استراتژی‌های مشروعیت بخشی استفاده شده توسط آنان پرداخته شد. قوانین غالباً با هدف اعمال کنترل سیاسی و اجتماعی بر جامعه وضع می‌شوند (وداک، ۲۰۱۱؛ ۹۶). به عبارتی، منبع اصلی قدرت قانون این است که روابط اجتماعی و قدرت حاکم را بدون نیاز به کنترل از خارج، از طریق ابزارهای زبانی و گفتمانی، تشکیل و مشروعیت بخشد. بنابراین، قدرت قانون باید به وسیله گروه‌های تابع پذیرفته شود و روند مشروعیت بخشی عمدتاً نه از طریق اجبار (تحمیل شده توسط قانون و دادگاه‌های حقوقی)، بلکه از طریق استقرار راهبردهای اقناع کلامی و از سوی قانون‌گذاران، کسانی که متون حقوقی وضع می‌کنند، صورت گیرد. قانونی شدن اعمال هرگونه تغییرات را می‌توان از طریق فرآیندهای مشروعیت بخشی افزایش داد. به این معنی که سیاستمداران با بکارگیری زبان، بحث‌های مثبتی را پیرامون اصلاحات ایجاد می‌کنند و مقاومت در برابر آن را به حداقل می‌رسانند (رتارو، ۲۰۱۹؛ ۳۳). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، نمایندگان دولت در مجلس با بهره‌گیری از قدرت زبان در گفتمان‌های خود، درصدد مخفی نگه داشتن انگیزه‌های خود و

مشروعیت‌بخشیدن به اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی در راستای هنجارهای اجتماعی می‌باشند. مشروعیت‌بخشی به اعمال سیاستمداران می‌تواند در راستای همراه نمودن و متقاعد کردن جامعه با ایشان به‌عنوان اولویتی سیاسی تبدیل شود. مشروعیت‌بخشی نمایندگان دولت در مجلس به اقدامات خود مبنی بر ایجاد تغییرات در قانون محاسبات عمومی، بر نقش محوری زبان به‌عنوان منبع مشروعیت استوار است. نمایندگان دولت در مجلس با بکارگیری زبان و مباحثه، از اشکال قدرت نمادین برای به دست آوردن کنترل بر مخاطب و مشروعیت‌بخشیدن به اقدامات خود، توجیه تغییرات در قانون محاسبات عمومی و جلب حمایت عمومی در راستای اهداف خود استفاده کرده‌اند. به‌عبارت دیگر، نمایندگان دولت با بکارگیری قدرت زبان، بر گفتمان خود پیرامون اعمال تغییرات در قانون محاسبات عمومی مشروعیت‌بخشیده و مقاومت در برابر آن را به حداقل رسانده‌اند.

کسب اطمینان از لزوم اعمال تغییرات در قوانین و مقررات، سیاستمداران را بر آن می‌دارد تا از استدلال‌های کافی برای ساخت واقعیت استفاده کرده و برای کسب مشروعیت از برخی ساختارها و ایده‌ها بهره ببرند. استراتژی‌های تنظیم‌شده در هنگام اعمال تغییرات، باورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند اتخاذ رویه‌ها و روش توجیه سیاستمداران برای سودمندی تغییر را تقویت یا تضعیف کند. هرچه دلایل حمایت‌کننده برای تغییر ترغیب‌کننده‌تر باشد، تصویب آن و در نهایت پذیرش آن، قابل قبول‌تر خواهد بود (بایتکین و هاگک، ۲۰۱۵؛ ۴۶۶). نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نمایندگان دولت در مجلس برای مشروعیت‌بخشیدن به گفتمان خود، از استراتژی‌های متعددی استفاده کرده‌اند. استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی می‌توانند اقدامات را با اصطلاحات خنثی یا مثبت توصیف کنند و با تاکید بر مقبولیت یا عدم‌پذیرش آنها، توجیهی برای اینکه چرا باید کاری را به روشی خاص انجام دهیم، ارائه دهند. در واقع، استراتژی‌ها، روش‌های خاص استفاده از منابع گفتمانی برای ایجاد مشروعیت یا فقدان مشروعیت هستند و همواره به‌صورت عمدی و آگاهانه بکار می‌روند. این نکته قابل ذکر است که استراتژی‌های مشروعیت در زمینه‌های اجتماعی خاص گنجانده می‌شوند و آنچه که به‌عنوان یک استدلال محسوب می‌شود، ممکن است در محیط‌های مختلف، متفاوت باشد. اساس بکارگیری استراتژی‌های فوق به نوع گفتمان‌های سیاستمداران وابسته بوده و متکی بر بکارگیری قدرت زبان است (ساهلین و ودلین، ۲۰۰۸؛ ۱۲۹). سیاستمداران برای اعمال تغییرات در قوانین و مقررات، عموماً از استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی بهم‌پیوسته و ترکیبی استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، عادی‌سازی معمولاً به

شدت توسط روایت‌گرایی پشتیبانی می‌شود. همچنین، استراتژی دریافت مجوز (اقتدارگرا) اغلب با منطقی‌سازی (خردگرایی) و اخلاقی‌سازی همراه است. می‌توان از مشروعیت‌بخشی به قوانین و مقررات، به‌عنوان نوعی حفاظت قانونی از سیاست‌گذاران در برابر تصویب این نوع قوانین نام برد. به‌عبارت دیگر، قانون‌گذاران برای اعمال هرگونه تغییرات در قوانین و مقررات با بهره‌بردن از استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی در قالب گفتمان‌های سیاسی، خود را از هرگونه تبعات بعدی ناشی از تصویب این تغییرات، مصون نگه می‌دارند. در این پژوهش، بر اساس نظریه نهادی و تحلیل گفتمان انتقادی وارا، نمایندگان دولت در مجلس از پنج استراتژی اقتدارگرا، اخلاق‌گرایی، عادی‌سازی، روایت‌گرایی و خردگرایی و غالباً به صورت ترکیبی برای مشروعیت‌بخشیدن به گفتمان خود پیرامون تغییرات قانون محاسبات عمومی استفاده کرده‌اند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، از بین استراتژی‌های فوق، استراتژی خردگرایی و استراتژی اخلاق‌گرایی بیشتر از سایر استراتژی‌ها توسط نمایندگان دولت در مجلس بکار گرفته شده است. بکارگیری استراتژی خردگرایی به این معنی می‌باشد که آنان برای مشروعیت‌بخشیدن به گفتمان خود پیرامون تغییرات در قانون محاسبات عمومی و متقاعد کردن مخاطبین خود، اغلب بر نتایج، کارکردها و پیامدهای اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی تأکید داشته و با تکیه بر عقلانیت ابزاری، امور را با رجوع به غایتشان، کاربردشان و تاثیراتشان مشروعیت می‌بخشند. از سوی دیگر، بکاربردن استراتژی اخلاق‌گرایی به این معنی می‌باشد که نمایندگان دولت در مجلس برای مشروعیت‌بخشی به گفتمان خود، با تأکید بر رویکردهای اخلاقی و ارزشی خاص و تأکید بر منافع ملی (به‌عنوان ارزش اصلی) یا اولویت‌بندی منافع افراد جامعه، مقاومت مخاطبین در برابر خود را به حداقل می‌رسانند و برای گفتمان خود پیرامون تغییرات قانون محاسبات عمومی، مشروعیت ایجاد می‌کنند. از این رو می‌توان گفت، تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور به‌عنوان زیر بنای حسابداری بخش عمومی، تحت تأثیر قابلیت‌های زبان و گفتمان نمایندگان دولت در مجلس مشروعیت بخشیده شده است و می‌تواند بیانگر آن باشد که آنان سعی دارند اینگونه تغییرات را همسو با منافع عمومی به تصویر بکشند (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۴) و با بهره‌بردن از قدرت زبان و با تأکید بر استراتژی‌های خردگرایی و اخلاق‌گرایی، سعی در جلب حمایت عمومی نسبت به اقدامات خود را داشته باشند.

نتایج پژوهش حاضر از جنبه‌های مختلف شامل بررسی مشروعیت‌بخشی به تغییرات قوانین و مقررات و اصلاحات حسابداری و همچنین، استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی، با پژوهش‌های انجام شده قبلی مطابقت دارد. در ارتباط با اعمال نفوذ سیاستمداران در تغییرات قوانین و مقررات کشورها، نتایج این پژوهش با پژوهش جانسن و استیهودر در سال ۱۹۸۵ که در آن، بر نقش سیاستمداران در ایجاد تغییرات در قوانین و مقررات کشور با بهره‌گیری از قابلیت‌های زبان بوروکراتیک اشاره داشته، همخوانی دارد. در ارتباط با قابلیت بکارگیری همزمان استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی یا بکارگیری هر استراتژی به‌طور جداگانه، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط ریس در سال ۲۰۱۱، پار در سال ۲۰۲۰ و پوراحمد و همکاران در سال ۱۴۰۰ همخوانی دارد. در ارتباط با نقش استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی بر اصلاحات حسابداری، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های هایندمن و همکاران در سال ۲۰۱۶ و پوراحمد و همکاران در سال ۱۴۰۰، مطابقت داشته و همگی بر بکارگیری استراتژی خردگرایی جهت مشروعیت‌بخشی به اصلاحات حسابداری تاکید دارند. همچنین، نتایج پژوهش‌های هایندمن و همکاران (۲۰۱۶)، ادھیکاری و جایاسینگ (۲۰۱۷)، لیگوری و استیکولینی (۲۰۱۸) و نیز لاسو و همکاران (۲۰۱۹)، مبنی بر استفاده سیاستمداران از استراتژی‌های مشروعیت‌بخشی زبانی جهت توجیه اقدامات خود و همچنین، اثرپذیری اصلاحات حسابداری از این گونه استراتژی‌ها، با نتایج پژوهش حاضر منطبق می‌باشد.

روش تحلیل گفتمان انتقادی، همانند سایر روش‌های پژوهش کیفی با محدودیت تعمیم‌پذیری نتایج مواجه است؛ بدین معنا که لزوماً نتایج این پژوهش برای سایر محیط‌ها و شرایط مختلف، مناسب نیست. همچنین، در پژوهش‌های کیفی، پژوهشگر به‌عنوان ابزار در نظر گرفته می‌شود. بدین معنا که پژوهشگر از خود به صورت یک ابزار اولیه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌کند. به عبارتی، انجام پژوهش‌های کیفی نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها و تجربیات و نیز درگیر شدن در برخی از چالش‌های خاص بوده و مبتنی بر تجربه، تعبیر، تفسیر، مهارت و دانش زمینه‌ای پژوهشگر در ارتباط با موضوع پژوهش می‌باشد و این موضوع می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد‌های کاربردی و همچنین، پیشنهاد برای انجام پژوهش‌های

آتی به صورت زیر ارائه می‌شود:

الف) پیشنهادهای کاربردی پژوهش

۱) بر اساس نتایج پژوهش، نفوذ انگیزه‌های سیاسی دولتمردان در تصویب قوانین و مقررات مالی زیربنای حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی، موجب کاهش قابلیت اتکای گزارشات مالی بخش عمومی شده و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی دولت‌ها را با چالش مواجه خواهد کرد. از این رو، افشا محدودیت‌های سیستم گزارشگری مالی بخش عمومی که ناشی از نفوذ سیاسی دولتمردان در قواعد مالی زیربنای حسابداری بخش عمومی است، در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، می‌تواند در قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تاثیرگذار باشد.

۲) تشکیل کارگروه‌های تخصصی بعد از تصویب اولیه قوانین و مقررات مالی در مجلس و استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران حسابداری، جهت تطبیق و کاستن مغایرت مصوبات با استانداردهای حسابداری، می‌تواند اثر انگیزه‌های سیاسی در تصویب قوانین و مقررات مالی را به حداقل برساند.

ب) پیشنهادهای پژوهشی برای پژوهش‌های آتی

موارد زیر به‌عنوان پیشنهادهایی برای پژوهش‌های تکمیلی و همچنین، پژوهش‌های آتی مرتبط با این پژوهش ارائه می‌گردد:

۱. بررسی نقش زبان و مناسبات قدرت در فرایند تدوین استانداردهای حسابداری مالی ایران
۲. بررسی رویکردهای مشروعیت‌بخشی مراجع استانداردگذار حسابداری در ایران
۳. مطالعه محرک‌ها و موانع اصلاحات حسابداری در نظام گزارشگری مالی
۴. بررسی ماهیت زبان دولتمردان در اصلاحات قواعد حسابداری
۵. مطالعه تحولات تاریخی رشته حسابداری با رویکرد زبان‌شناسی

منابع

- افشین وفايي، محمد، علی. غلامی. (۱۳۹۷). زبان، ابزار قدرت در روزنامه‌های دربار دوران قاجار. *مجله ادب فارسی*، ۸ (۲)، ۱-۲۲.
- باباجانی، جعفر. (۱۳۸۶). *حسابداری و کنترل‌های مالی دولتی*. دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ چهارم، تهران. بهرام پور، شعبانعلی. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- پوراحمد، رضا، محمد. مرادی و عباس. نرگسیان. (۱۴۰۰). نقش زبان در مشروعیت بخشیدن به اصلاحات قوانین و مقررات مالی بخش عمومی. *مجله دانش حسابداری مالی*، ۸ (۳)، ۱-۲۳.
- صفرزاده بندری، محمدحسین. و زهرا. جودکی چگنی. (۱۴۰۰). حسابداری منافع اجتماعی در بخش عمومی. *فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۱ (۲)، ۱۰۳-۱۲۲.
- ضیائی، محمدصادق، عباس. نرگسیان و منیژه. کیامنفرد. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولتها: تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی (ره). *نشریه مدیریت دولتی*، ۱ (۳)، ۱۰۴-۸۵.
- مرادی، محمد، عباس. نرگسیان وهانی. اخوان. (۱۳۹۶). مطالعه و مقایسه پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی. *نشریه مدیریت دولتی*، ۹ (۲)، ۲۱۲-۱۹۳.
- مقیمی، سید محمد، محمدصادق. ضیائی، سعیدرضا. عاملی و عباس. نرگسیان. (۱۳۹۱). مطالعه ماهیت زبان دولت در سه دهه انقلاب اسلامی و ارائه الگوی کارآمد آن در ایران. *نشریه مدیریت دولتی*، ۴ (۱۲)، ۱۲۸-۱۱۳.
- میرزایی اهرنجانی، حسن. (۱۳۸۵). *مبانی فلسفی تئوری سازمان*. سمت، چاپ اول، تهران.

References

- Adhikari, P. & K. Jayasinghe. (2017). 'Agents-in-focus' and 'Agents-in-context': The strong structuration analysis of central government accounting practices and reforms in Nepal. *Accounting Forum*, 5(11), 34-51.
- AfshinVafaei, M. & A. Gholami. (2018). Language, tools of power in the newspapers of the Qajar period. *Journal of Persian Literature*, 8 (2), 1-22. (In Persian).
- Alexe, R. (2009). Rforming Spanish Bureaucratic Language. *Bulletin of the Transilvania University of Braşov*, 2(51), 213-216.
- Babajani, J. (2007). *Accounting and Government Financial Controls*, Fourth Edition, Tehran, Allameh Tabatabai University. (In Persian).
- Bahrapour, Sh. (2000). *Critical Analysis of Discourse*, Tehran, Office of Media Studies and Development. (In Persian).

- Baker, P. & S. Ellece. (2011). *Key Terms in Discourse Analysis*. London, Continuum.
- Biber, D., J. Egbert, D. Keller & S. Wizner. (2021). Towards a taxonomy of conversational discourse types: An empirical corpus-based analysis. *Journal of Pragmatics*, 33(171), 20-35.
- Bitektine, A. & P. Haack. (2015). Legitimacy, *Academy of Management Annals*, 11(1), 451-478.
- Calle-Diaz, L. (2019). Possibilities of building peace through classroom discourse: A positivisediscourse analysis, *Linguistics and Education*, 54(6), 1–10.
- Chaidas, D. (2018). The benefits of narratology in the analysis of multimodal legitimation: the case of new democracy, *Discourse Commun*, 12 (3), 1–20.
- Christensen, C.M., R. McDonald, E.J. Altman, J.E. Palmer.(2018). an intellectual history and directions for future research, *Journal of Management Studies*, 55(7), 1043–1078.
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*, London, Longman.
- Fairclough, N. (2005). Discourse Analysis in Organization Studies: The Case for Critical Realism, *SAGE Publications*, 1-25.
- Gutmann , J. and S. Voigt. (2018). The rule of law: Measurement and deep roots. *European Journal of Political Economy*, 6(2), 1–15.
- Herman, E. S. (1992). *Beyond Hypocrisy: Decoding the News in an Age of Propaganda Boston*, South End Press.
- Hummel, R. P. (1994). *The Bureaucratic Experience: A Critique of Life in the Modern Organization*, New York, St. Martin's Press.
- Hummel R. P. (2008). *The Bureaucratic Experience: The Postmodern Challenge*, 5th ed, M.E, Sharp, Inc.
- Hyndman, N., M. Liguori, R. Meyer, T. Polzer, S. Rota & J. Seiwald. (2014). The translation and sedimentation of accounting reforms. A comparison of the UK, Austrian and Italian experiences, *Critical Perspective on Accounting*, 25(4-5), 388-408.
- Hyndman, N. & M. Liguori. (2016). Justifying accounting change through global discourses and legitimation strategies, The case of the UK central government, *Accounting and Business Research*, 46(4), 390-421.
- Jansen, C. & M. Steehouder. (1985). From Bureaucratic Language to Instructional Texts: How to Design An Effective Problem-Solving Tool for Citizen, *Twente University of Technology*, Dept. of Applied Linguistics, Enschede, Netherlands.
- Kyriazi, A. & F. Visconti. (2021). The Europeanisation of *political* involvement: Examining the role of individual transnationalism, *Electoral Studies*, 23(11), 24-41
- Lassou , P., T. Hopper, M. Tsamenyi & V. Murinde. (2019). Varieties of neo-colonialism: Government accounting reforms in Anglophone and Francophone Africa – Benin and Ghanacompared, *Critical Perspectives on Accounting*, 46 (2), 13-29.

- Ligouri, M. & I. Steccolini. (2018). The power of language in legitimating public-sector reforms: When politicians “talk” accounting. *The British Accounting Review*, 50(9), 161-173.
- Lin, Y. (2021). Legitimation strategies in corporate discourse: A comparison of UK and Chinese corporate social responsibility reports, *Journal of Pragmatics*, 177(6), 157-169.
- Lincoln, Y. S. & E. Guba. (1985). *Naturalistic inquiry*, Thousand Oaks, CA: Sage, P: 124.
- Meinard, Y. (2017). What is a legitimate conservation policy? *Biological Conservation*, 213(13), 115–123.
- Mirzaei Ahranjani, H. (2006). *Philosophical Foundations of Organization Theory*, First Edition, Tehran, Samt. (In Persian).
- Moghimi, S. M., M.S. Ziaei, S.R. Ameli & A. Nargesian. (2012). A study of the nature of government language in the three decades of the Islamic Revolution and presenting its effective model in Iran, *Journal of Public Management*, 4 (12), 113-128. (In Persian).
- Moradi, M., A. Nargesian & H. Akhavan. (2017). Study and Comparison of Government Financial Accountability in the Four Presidencies after the Islamic Revolution Using Critical Discourse Analysis, *Journal of Public Management*, 9 (2), 192-213. (In Persian).
- Oakes, H. & S. Oakes. (2012). Accounting and marketing communications in arts engagement: A discourse analysis, *Accounting Forum*, 36(2), 209-222.
- Orts, M. (2016). Power distance and persuasion: The tension between imposition and legitimation in international legal genres, *Journal of Pragmatics*, 92(6), 1-16.
- Paré, G., J. Marsan, J. Mirou, H. amimd & R. Lukyanenkoe. (2020). IT vendors’ legitimation strategies and market share: The case of EMR Systems, *Information & Management*, 11(9), 165-183.
- Pourahmad, R., M. Moradi and A. Nargesian. (1400). The role of language in legitimizing the reform of public sector financial laws and regulations, *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 8 (3), 1-23. (In Persian).
- Qvarfordt, A., D. Hoffc, A. Bäckströmb & N. Ahmadi. (2019). From fighting the bad to protecting the good: Legitimation strategies in WADA’s athlete guides, *Performance Enhancement & Health*, 12(2), 31-46.
- Reyes, A. (2011). Strategies of legitimization in political Discourse: From words to actions, *Discourse & Society*, 22(6), 781-807.
- Ridealgh, K. & L. Gomez. (2020). Potestas and the language of power: Conceptualising an approach to Power and Discernment politeness in ancient Languages, *Journal of Pragmatics*, 170(7), 231-244.
- Rotaru, V. (2019). Mimicking’ the West? Russia’s legitimization discourse from Georgia war to the annexation of crimea, *Communist and Post-Communist Studies*, 11 (4), 23-38.

- Safarzadeh Bandari, Mohammad Hossein. & Zahra. Joudaki chegeni. (1400). Accounting for social benefits in the public sector. *Journal of Accounting and Social Interests*, 11 (2), 103-122. (In Persian).
- Sahlin, K. & L. Wedlin. (2008). *circulating ideas: Imitation*, translation and editing, In: R. Greenwood, C. Oliver, K. Sahlin & R. Suddaby, (eds.), *The SAGE Handbook of Organizational Institutionalism*, London, Sage, 41-218.
- Slimane, K., C. Diridollou & K. Hamadache. (2020). The legitimation strategies of early stage disruptive innovation, *Technological Forecasting & Social Change*, 158(9), 120-161.
- Trikha, R. (2009). *Bureaucracy and Public Administration*, Indiana University, ABD Publishers.
- Vaara, E., J. Tienari & J. Laurila. (2006). Pulp and paper fiction: On the discursive legitimation of global industrial restructuring, *Organization Studies*, 27(6), 789-813.
- Vaara, E. (2015). Legitimacy Struggles and Political Corporate Social Responsibility in International Settings: A Comparative Discursive Analysis of a Contested Investment in Latin America, *Organization Studies*, 36(6), 741-777.
- Van Leeuwen, T. & R. Wodak. (2002). Discourses of un/employment in Europe: The Austrian case, *Discourse Studies*, 22(3), 345-367.
- Van Leeuwen, T. (2007). Legitimation in discourse and communication, *Discourse and Communication*, 1(1), 91-112.
- Wodak, r. (2011). *Critical Discourse Analysis*, In Ken Hyland, and Brian Paltridge (ed), *The Continuum Companion to Discourse Analysis*, London, Continuum.
- Watson, R. P. (2006). *On the Language of Bureaucracy: Postmodernism, Plain English, and Wittgenstein*, in *Handbook of Organization Theory and Management: The Philosophical Approach*, by Thomas D. Lynch and Peter L. Cruise, CRC Press, Taylor & Francis Group, Second Edition, pp. 1-906.
- Woods, C. (2019). From an “outside group” to a catalyst for corporate change: Examining activists’ legitimation strategies, *Public Relations Review*, 45(8), 332-347.
- Ziaei, M. S., A. Nargesian & M. Kiamonfared. (2009). A Study of the Relationship between the Language of Authority and the Legitimacy of Governments: A Critical Discourse Analysis of Imam Khomeini's Speeches, *Journal of Public Management*, 1 (3), 85-104. (In Persian).

COPYRIGHTS



© 2022 by the authors. Licensee Alzahra University, Tehran, Iran.
This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)